

تأثیر کاهلی زیان دیده در جبران خسارت

مقصود عبادی بشیر*

چکیده

گاه پس از وقوع حادثه زیانبار، زیان دیده با وجود امکان احتراز از گسترش دامنه خسارت، اقدامی در جهت جلوگیری از آن به عمل نمی‌آورد. حال این مسئله مطرح است که آیا زیان دیده تکلیفی در جهت کاهش آثار عمل زیانبار دارد؟ هدف این تحقیق شناسایی و روشن ساختن ماهیت و تأثیر کاهلی متضرر در مسئولیت مدنی عامل زیان است. گردآوری اطلاعات در این مقاله به شیوه کتابخانه‌ای و با مراجعه به منابع متعدد حقوق موضوعه و متون فقهی صورت گرفته و روش تحقیق آن، توصیفی و تحلیلی است.

نتیجه این تحقیق آن است که نظام حقوقی ایران تکلیف متضرر را در جلوگیری از گسترش دامنه خسارت پذیرفته است و از برخی قواعد فقهی نیز همین نتیجه حاصل می‌شود. بدین ترتیب، متضرر باید اقدامات لازم را برای ممانعت از گسترش خسارت به عمل آورد، وگرنه به میزان خسارت قابل اجتناب، از مسئولیت خوانده در جهت جبران خسارت کاسته خواهد شد.

کلیدواژه‌ها: کاهلی، مسئولیت، فقه، خسارت، سببیت، تکلیف.

مقدمه

ضرر قابل اجتناب، از خسارت قابل جبران کاسته خواهد شد؟ در دعاوی مسئولیت مدنی، بدون حل این مسئله صدور حکم عادلانه دشوار می‌نماید؛ از این‌رو، باید پاسخی متناسب با نظام حقوقی برای این مسئله یافت.

این مسئله در نظام حقوقی «کامن‌لا» تحت عنوان «کاهش خسارات» مطرح است و مورد قبول رویه قضایی قرار گرفته؛ یعنی زیان‌دیده مکلف است تا حد امکان جلوی گسترش دامنه خسارات را بگیرد، وگرنه به میزان ضرر قابل اجتناب، حق مراجعه به عامل ضرر را نخواهد داشت. در خصوص سابقه و پیشینه این مسئله در ادبیات حقوقی ما، باید گفت: این امر توسط برخی مؤلفان از جمله ناصر کاتوزیان در کتاب **ضمان قهری**^(۱) و در کتاب **قاعده مقابله با خسارت تألیف مهراب داراب‌پور** و مقاله «قاعده جلوگیری از خسارت»^(۲) نوشته محمود کاظمی مطرح گشته و چنین اظهار نظر شده که نسبت به خسارات قابل اجتناب، عامل زیان مسئول نیست؛ زیرا رابطه سببیت در خصوص این دسته از خسارات از بین رفته است و مستند به فعل خود زیان‌دیده است و از این‌رو، حق مراجعه به عامل زیان را نخواهد داشت.

به نظر می‌رسد علاوه بر تحلیل مزبور، می‌توان این مسئله به این ترتیب نیز مطرح نمود که عمل متضرر از جنس ترک فعل است و برای ایجاد مسئولیت نسبت به ترک فعل باید قبلاً تعهد قانونی یا قراردادی برای شخص وجود داشته باشد و در نتیجه ترک آن تعهد یا تکلیف است که مسئولیت به بار می‌آید. از آن‌رو که مقایسه‌ای بین این نهاد با سایر نهادهای حقوقی مشابه صورت نگرفته، این مقاله ضمن پرداختن به آن، جایگاه فقهی آن را نیز مورد بررسی قرار خواهد داد.

سؤال اصلی به این صورت مطرح می‌شود که آیا

گاه اتفاق می‌افتد که در کنار عامل حادثه زیانبار، شخص زیان‌دیده نیز در بروز حادثه و ضرر دخالت دارد. دخالت این شخص ممکن است حالت فورس ماژور برای عامل حادثه داشته باشد که در چنین صورتی، وی هیچ مسئولیتی نخواهد داشت. مثلاً، راننده‌ای با سرعت مطمئنه و با احتیاط در حال حرکت است که عابر پیاده‌ای خود را به ناگاه زیر چرخ اتومبیل او می‌اندازد و برای راننده فرصت هیچ‌گونه راه فرار و گریز از حادثه باقی نمی‌گذارد. در این فرض، چون عمل زیان‌دیده برای عامل حادثه در حکم فورس ماژور (قوة قهریه) است. از این‌رو، مسئولیتی برای وی قابل تصور نیست.

گاه نیز دخالت زیان‌دیده در بروز حادثه و ورود زیان در حد فورس ماژور نیست، اما قابل گذشت و اغماض نیز نمی‌باشد. به اصطلاح، زیان‌دیده خود نیز در بروز حادثه به همراه عامل حادثه مقصر است. تقصیر نیز ممکن است صور مختلفی نظیر بی احتیاطی، بی‌مبالاتی و غیره داشته باشد. در این فرض، عامل و متضرر به صورت مشترک مسئول جبران خسارات خواهند بود.

در کنار این دو فرض، کاهلی متضرر نیز مطرح است؛ به این ترتیب که زیان‌دیده با وجود امکان احتراز از حادثه یا کاهش آثار زیانبار آن، عملی در جهت جلوگیری از آن یا تقلیل آثارش انجام نمی‌دهد. بنابراین، کاهلی از جنس ترک فعل است. مثلاً، شخصی در اثر تقصیر فرد دیگری زخمی می‌شود، اما مجروح نیز اقدامی در جهت معالجه و مداوای خود انجام نمی‌دهد و در اثر سرایت زخم و عفونت، قطع عضو زخمی ضرورت پیدا می‌کند. حال این سؤال به عنوان سؤال این تحقیق مطرح است که مسئولیت عامل زیان در چه حدی است؟ آیا نسبت به جراحت مسئول است یا نسبت به عضو قطع شده؟ آیا به میزان

گسترش ضرر را داشته باشد، ولی در دفع ضرر از خود کوتاهی کند. مثلاً، کسی خانه و انبار دیگری را آتش زده است، مالک متوجه اقدام عامل ورود زیان می شود و در حالی که قدرت و امکان جلوگیری از سرایت آتش را دارد هیچ اقدامی از خود به عمل نمی آورد به این امید که کل مال بسوزد و خسارت آن را از عامل ورود زیان مطالبه کند. حال آیا باید کل زیان وارد شده به چنین شخصی جبران شود؟ پاسخ قطعاً منفی است. برای تأیید این امر می توان مثال هایی از قوانین آورد که در این فرض از این حکم تبعیت کرده است:

۱. ماده ۳۵۵ ق.م.ا. مقرّر می دارد: «هر گاه کسی در ملک دیگری بدون اذن صاحب آن یا در معبر عام بدون رعایت مصلحت رهگذر آتشی را روشن کند که موجب تلف یا خسارت گردد ضامن خواهد بود، گرچه او قصد اتلاف یا اضرار نداشته باشد.

تبصره: در کلیه مواردی که روشن کننده آتش عهده دار تلف و آسیب اشخاص می باشد باید راهی برای فرار و نجات آسیب دیدگان نباشد، وگرنه روشن کننده آتش عهده دار نخواهد بود.»

در اینجا مقنن کاهلی زیان دیده از اجتناب از ضرر را مدنظر قرار داده و آن را عاملی دانسته است که عامل ورود زیان را از مسئولیت معاف می کند. البته فرض ماده جایی است که روشن کردن آتش عدواناً صورت گرفته است؛ پس به طریقه اولی در جایی که روشن کننده آتش مأذون است همین حکم جاری است.

این حکم یکی از مصادیق قاعده اقدام است و اقدام زیان دیده در اینجا به صورت ترک فعل تجلی پیدا کرده است.

۲. ماده ۱۵ قانون بیمه در مقام بیان تکلیف بیمه گذار زیان دیده می گوید: «بیمه گذار باید برای جلوگیری از خسارت مراقبتی را که عادتاً هر کس از مال خود می نماید

زیان دیده مکلف است از گسترش دامنه زیان وارده جلوگیری کند؟

سوالات فرعی نیز از این قرارند:

۱. اگر متضرر مکلف به اقدام در جهت کاهش ضرر

است، نتیجه عدم اقدام او چه خواهد بود؟

۲. هزینه اقدامات بر عهده کیست؟

۳. آیا این نهاد در فقه می تواند جایگاهی داشته باشد؟

در این نوشتار قصد ما این است که مفهوم کاهلی

زیان دیده و نسبت آن را با سایر صور تقصیر تبیین کرده و

سپس تأثیر کاهلی زیان دیده را در مسئولیت عامل زیان

بررسی نماییم.

۱. کلیات

۱-۱. مفهوم کاهلی

در حادثه ای که اتفاق می افتد و خسارتی که به وجود

می آید، زیان دیده نیز به نحوی از انجا در ایجاد آن دخالت

دارد. حداقل میزان مداخله او این است که در لحظه وقوع

حادثه در مکان وقوع آن قرار گرفته و به ورود ضرر کمک

کرده است، ولی این گونه مداخله تقصیر به حساب

نمی آید، بلکه اقدام زیان دیده باید به نحوی باشد که از نظر

عرف بتوان او را مقصر دانست. تقصیر زیان دیده ممکن

است عمد یا غیر عمد و به صورت فعل یا ترک فعل باشد.

معیار تقصیر زیان دیده، مانند معیار تعیین تقصیر عامل

زیان نوعی است؛ یعنی رفتار یک انسان متعارف در آن

اوضاع و احوال ملاک عمل است؛ اگر از آن تجاوز شده

باشد تقصیر محقق است، وگرنه تقصیری نیست. گاه

تقصیر زیان دیده چهره خاصی به خود می گیرد. یکی از

این چهره های خاص، کاهلی زیان دیده در اجتناب از زیان

یا کاهش آن است؛ به این ترتیب که در مواردی ممکن

است زیان دیده توان احتراز از خطر و جلوگیری از

۱-۲. قاعدهٔ تقلیل خسارت

تعهد زیان‌دیده به تقلیل زیان، قاعده‌ای است که در حقوق انگلستان پذیرفته شده و دفاعی است که از جانب خوانندهٔ دعوی مسئولیت ابراز می‌گردد تا مسئولیت را از خود رفع کند. مفهوم این قاعده این است که زیان‌دیده از عمل دیگری وظیفه دارد به طور متعارف از وقوع زیان جلوگیری کند یا دامنهٔ آن را بکاهد. چنانچه خواننده بتواند کاهلی او را به اثبات برساند از پرداخت خسارت بابت آن بخش از زیان که قابل اجتناب بوده معاف می‌شود.^(۴)

در حقوق دیگر کشورها نیز این قاعده نفوذ کرده است، چنان‌که در حقوق کانادا در رأی «Janiak v Ippolito» به صراحت به تکلیف خواهان مبنی بر کاهش خسارت اشاره شده است.^(۵)

فلسفهٔ این قاعده آن است که از اتلاف منابع اقتصادی جامعه جلوگیری شود؛ یعنی زیان‌دیده را وادار می‌کند که با جلوگیری از زیان یا گسترش دامنهٔ آن، از تضرر خود و جامعه جلوگیری کند. رسیدن به این هدف، از طریق محروم ساختن فرد کاهل از جبران خسارت تأمین می‌شود. اگر کسی می‌توانسته از زیان‌هایی جلوگیری نماید، ولی با عدم اقدام به موقع، دفع نکرده است بتواند به حساب خوانندهٔ دعوا قرار دهد، دیگر انگیزه‌ای برای اقدام مناسب برای جلوگیری یا کاهش زیان نخواهد داشت. برای مثال، کارگری که اخراج شده، به جای پیدا کردن کار جدید، منتظر جبران خسارت از طرف کارفرما باشد یا کارگاهی که مواد اولیه را به علت نقض عهد از جانب متعهد دریافت نداشته است، از اقدام به تهیه آن از منبع دیگر که در دسترس بوده، خودداری نماید و کارگاه تعطیل شود. البته مثال‌های مذکور در زمینهٔ قراردادهاست و باید گفت که این قاعده به یک نحو در هر دو قلمرو ضمان قهری و مسئولیت قراردادی مورد استناد است.

نسبت به موضوع بیمه بنماید و در صورت نزدیک شدن حادثه یا وقوع آن، اقداماتی را که برای جلوگیری از سرایت و توسعه خسارت لازم است به عمل آورد... مخارجی که بیمه‌گذار برای جلوگیری از توسعهٔ خسارت می‌نماید بر فرض که منتج به نتیجه نشود به عهدهٔ بیمه‌گر خواهد بود، ولی هرگاه بین طرفین در موضوع تناسب آن با موضوع بیمه اختلافی ایجاد شود حل اختلاف به حکم یا محکمه رجوع می‌شود.

در این ماده نیز این امر مورد تأکید قرار گرفته که زیان باید غیرقابل اجتناب باشد تا زیان‌دیده بتواند جبران آن را بخواهد.^(۳)

۳. بند ۳ مادهٔ ۴ قانون مسئولیت مدنی مقرر داشته است: «دادگاه می‌تواند میزان خسارت را در موارد زیر تخفیف دهد... ۳. وقتی که زیان‌دیده به نحوی از انحاء موجبات تسهیل ایجاد زیان را فراهم نموده یا به اضافه شدن آن کمک و یا وضعیت واردکننده زیان را تشدید کرده باشد.»

۴. در مادهٔ ۳۴۶ قانون مجازات اسلامی آمده است: «هرگاه کسی چیزی لغزنده‌ای را در معبر بریزد که موجب لغزش رهگذر گردد عهده‌دار دیه و خسارت خواهد بود، مگر آنکه رهگذر بالغ و عاقل یا ممیز عمداً با اینکه می‌تواند پا نگذارد به روی آن پا بگذرد.»

۵. مادهٔ ۱۱۴ قانون دریایی مقرر می‌دارد: «در صورتی که متصدی حمل ثابت نماید فوت و یا صدمات بدنی بر اثر تقصیر و یا غفلت خود مسافر بوده و یا عمل مسافر در وقوع آن تأثیر داشته، دادگاه بر حسب مورد متصدی حمل را کلاً و یا جزاً از مسئولیت بری خواهد کرد.»

از ملاک این مواد این نتیجه استنباط می‌شود که زیان‌دیده باید اقدام مناسب را در جهت اجتناب یا کاهش ضرر به عمل آورد، وگرنه خود مقصر است و عامل ورود زیان نسبت به چنین زانی مسئولیتی ندارد.

طرف خواننده به اثبات برسد، وی ملزم به جبران کلیه خسارات مستقیم ناشی از آن است، مگر اینکه اثبات نماید ضرر وارده با اقدام متعارف قابل اجتناب بوده است؛ زیرا در زمینه مسئولیت مدنی برای الزام خواننده به جبران خسارت ضرورتی به اثبات غیرقابل دفع بودن ضرر وجود ندارد و همین که مسلمیت، مشروعیت و مستقیم بودن ضرر به اثبات رسید جهت حکم به جبران خسارت کافی است. بر عکس این، عامل ضرر است که باید برای رهایی نسبی خود از مسئولیت، قابل اجتناب بودن ضرر را اثبات نماید. بنابراین، برای حمایت متضرر می توان گفت: بعد از وقوع فعل، اصل بر غیرقابل اجتناب بودن آثار زیانبار است، مگر اینکه خلاف از طرف عامل ضرر به اثبات برسد.

حال که معنای این قاعده روشن شد بجاست به مبنای این قاعده پرداخته شود.

۱-۳. مبنای قاعده تقلیل خسارت

در این مورد دو مبنا ذکر شده است که به اجمال به ذکر آنها می پردازیم:

الف. حسن نیت: تکلیف مربوط به حسن نیت ایجاب می کند که زیان دیده تا آنجا که ممکن است جلوی گسترش زیان را بگیرد و اگر از این تکلیف خود سر بتابد حق جبران کامل خسارت را از دست می دهد.

در حقوق ایران، نه در زمینه مسئولیت های قراردادی و نه در خصوص ضمان قهری، به صراحت اشاره ای به لزوم رعایت حسن نیت نشده است. با این حال، از ماده ۲۲۰ قانون مدنی لزوم رفتار با حسن نیت قابل استنتاج است؛ زیرا در این ماده طرفین عقد به لوازم و آثار عرفی اعمال حقوقی خود ملتزم شده اند و در عرف نیز چنین رفتاری مورد انتظار است. از سوی دیگر، ماده ۳ قانون

مثال برای ضمان قهری جایی است که خواننده دعوا جرحی بر زیان دیده وارد ساخته، ولی وی به جای درمان، کاهلی ورزیده و سرایت زخم منجر به از کار افتادن عضو یا مرگ زیان دیده شده است.

مهم ترین اثر مسئولیت مدنی، الزام به جبران خسارات وارده بر متضرر است، اما این الزام گاه به طور استثنایی از بین می رود؛ چنانکه در حقوق اسلام بر اساس قاعده اقدام زیان وارده بر اثر تقصیر و اقدام خود متضرر، قابل جبران نیست. در حقوق موضوعه ایران نیز ماده ۴ قانون مسئولیت مدنی استثنائاتی را بر اصل جبران کامل خسارت وارده نموده است. بر اساس این ماده، دادگاه می تواند در صورت مساعدت عامل زیان به متضرر، قابل اغماض بودن تقصیر وی و دخالت خود متضرر در ایجاد و گسترش زیان، میزان خسارت قابل جبران را تقلیل نماید.

در این میان، کاهلی زیان دیده ناظر بر فرضی است که زیان دیده در ایجاد حادثه منجر به خسارت نقشی نداشته، متنها در مرحله ایجاد ضرر می توانسته است جلوی بروز برخی خسارات را بگیرد، ولی بدون عذر موجهی در جهت تعدیل اثر فعل زیانبار اقدام ننموده است. بنابراین، از این منظر خسارات وارده بر دو قسم است: قسم اول، خساراتی است که بر متضرر جبری و قهری است و وی قادر بر دفع آن نیست. قسم دوم، نوع خساراتی است که دفع آن در قدرت متضرر است.

اگر قاعده تقلیل خسارت در خصوص خسارات قسم دوم به نحو مذکور مورد قبول قرار گیرد و متضرر کاهل از جبران این گونه خسارات محروم گردد، آن گاه این سؤال پیش می آید که در صورت اختلاف در قابل دفع بودن یا عدم این قابلیت بین طرفین دعوا اصل بر چیست؟ و کدام طرف مدعی شمرده می شود؟

در پاسخ می توان گفت: هرگاه وقوع فعل زیانبار از

نسبت به خواننده از بین رفته و نسبت به خواهان برقرار شده، شرایطی به شرح زیر لازم است:

الف) علم و آگاهی خواهان نسبت به خطر و حدود آن: اولین امری که خواهان برای استناد به کاهلی خواننده باید ثابت کند این است که ضمن آگاهی نسبت به حادثه زیانبار، از گسترش دامنه زیان نیز مطلع بوده یا نمی توانسته که مطلع نباشد. اگر آگاهی خواهان از نفس خطر و دامنه آن به اثبات نرسد امکان استناد به کاهلی نیست.

ب) علم و آگاهی متضرر به امکان دفع ضرر: گذشته از اینکه خواهان باید نسبت به وقوع نفس خطر و ضرر علم داشته باشد، باید به امکان اجتناب نیز مطلع باشد. از این رو، از متضرری که از امکان بالقوه دفع ضرر آگاه نبوده، تکلیف تقلیل ضرر بار نمی شود. وجود این علم باید نزد متضرر به اثبات برسد یا اینکه اوضاع و احوال چنان باشد که وی نتواند ادعای جهل نماید.

ج) علم و آگاهی متضرر به طریقه دفع ضرر: علاوه بر اینکه متضرر باید به امکان دفع ضرر آگاه باشد، باید طریق و راه آن را نیز بداند، وگرنه مسئولیت خواننده منتفی نمی شود. بنابراین، از متضرر انتظار می رود از ضرر فرار کند، مشروط به اینکه راه فرار را بداند. در این مورد نیز علم باید نزد متضرر به اثبات برسد یا اینکه اوضاع و احوال چنان باشد که وی نتواند ادعای جهل نماید.

د) وجود داشتن قدرت دفع خطر و جلوگیری از گسترش دامنه آن: در احراز این شرط، قدرت نوعی بر دفع خطر و جلوگیری از گسترش دامنه ضرر آن ملاک نیست، بلکه ملاک قدرت شخص خواهان است. از این رو، اگر خطر نوعاً قابل دفع باشد ولی برای خواهان به دلیل ناتوانی شخصی قابل دفع نباشد، باز خواننده مسئول همه ضررهای وارده خواهد بود.

ه) عدم اقدام خواهان: خواننده (عامل زیان) باید ثابت کند که

تجارت الکترونیک ایران مصوب ۱۳۸۲ بر لزوم توجه به حسن نیت در تفسیر قراردادهای الکترونیکی تأکید کرده است. بنابراین، می توان گفت: در حقوق ایران نیز تکلیف مربوط به رفتار با حسن نیت مورد قبول قرار گرفته است. **ب. رابطه سببیت:** برخی از حقوق دانان «کامن لا» این قاعده را متضمن هیچ تکلیفی برای زیان دیده نمی دانند، بلکه معتقد هستند رفتار زیان دیده به عنوان یک علت وارد شده و خسارت ادعایی را از اسباب آن دور ساخته است. به عبارت دیگر، مبنای قاعده به رابطه سببیت موجود بین رفتار زیان دیده و خسارت اضافی برمی گردد.^(۶)

۱-۴. شرایط استناد به کاهلی زیان دیده

گفتیم تأثیر کاهلی زیان دیده در میزان مسئولیت خواننده (عامل زیان) ناشی از توجه به مسئله سببیت است؛ زیرا در هر دو حوزه مسئولیت مدنی و مسئولیت قراردادی، خواننده فقط ملزم به جبران خساراتی است که مستقیماً ناشی از فعل اوست و هرگونه زیان ناشی از اقدام نامتعارف خواهان باید توسط خود او تحمّل شود. از این منظر، زیان قابل اجتناب به جای اینکه به فعل خواننده منسوب شود به فعل خواهان منسوب می شود.

البته باید توجه داشت که قابلیت انتساب در اینجا یک مفهوم عرفی است و مفهوم فلسفی آن مدنظر نیست؛ زیرا از دیدگاه فلسفی، فعل خواننده است که مقتضی به وجود آمدن زیانها اعم از قابل اجتناب و غیرقابل اجتناب را فراهم ساخته است، ولی حقیقت این است که عدالت، محدودیت‌هایی را برای مسئولیت ناشی از ایجاد سببیت قایل شده است و نتایج دور و غیرقابل پیش‌بینی منسوب به خواننده نمی شود؛ پس برای تشخیص حدود مسئولیت خواننده، معیار سبب متعارف عرفی را باید ترجیح داد. برای اینکه بتوان گفت عرفاً قابلیت انتساب ضرر

۲. مبنای فقهی کاهلی و قلمرو آن

۲-۱. مبنای فقهی معافیت خوانده

قاعده تقلیل خسارت با شرایط مذکور در فوق، از نظام حقوقی «کامن لا» به دیگر نظام‌های حقوقی راه یافته است. با این حال، به نظر می‌رسد فارغ از توجه به نظام حقوقی کامن‌لا، این قاعده از برخی قواعد و فروع فقهی به شرح ذیل نیز قابل استنباط است:^(۹)

الف) قاعده اقدام: قاعده اقدام یکی از قواعد عقلی و فقهی است که بر اساس آن، هر شخص که در اثر فعل یا ترک فعل خویش متضرر شده باشد حق مراجعه به هیچ شخصی نخواهد داشت. مثلاً، با توجه به ماده ۲۶۳ ق.م. هرگاه شخصی از فضولی بودن طرف معامله خود آگاه باشد و علی‌رغم آن، مبادرت به معامله با چنین شخصی بنماید و مالک نیز عمل حقوقی انجام یافته را تنفیذ ننماید، این شخص حق مطالبه ضرر و زیان ناشی از چنین معامله‌ای را نخواهد داشت. یا براساس ماده ۱۲۱۵ ق.م. هرگاه کسی مالی را در اختیار صغیر غیرممیز یا مجنون قرار دهد، محجور غیرممیز مسئول تلف و نقصان آن مال نخواهد بود.

همچنین طرف قراردادی که به علتی حق فسخ آن را دارد، اگر در مدت مقرر نسبت به اعمال آن اقدام ننماید، حق فسخ وی ساقط می‌شود. مثلاً، ماده ۴۲۰ سکوت در مدت فوری عرفی را به معنای اعراض از اعمال حق فسخ دانسته است. پس طرفی که در مدت اختیار نسبت به اعمال آن اقدام ننموده، به ضرر خود اقدام کرده و حق خویش را از دست داده است.

بنابراین، به روشنی ملاحظه می‌شود که قانون مدنی ایران قاعده اقدام را به عنوان یکی از اصول کلی در زمینه جبران خسارت پذیرفته است. از این رو، هر جا که در اثر تقصیر شخصی زبانی به او برسد حق مطالبه آن خسارت

علی‌رغم اینکه خواهان (زبان دیده) از خطر و گسترش آن و امکان و طریقه دفع آن آگاه بوده، ولی هیچ اقدام متعارفی که در قدرت شخصی وی بوده انجام نداده است. در مقابل، خواهان نیز می‌تواند اثبات کند که اقدامات لازم را انجام داده و مؤثر نیفتاده است.

(و) تقصیر (نقض تکلیف): مسئولیت متضرر نسبت به تحمل بخشی از خسارت به عنوان ضرر قابل اجتناب، به دلیل تسبیب وی در ایجاد ضرر است و تسبیب بر خلاف اتلاف به فعل یا ترک فعل قابل تحقق است، با این تفاوت که اصولاً شخص نسبت به ترک فعل مسئول نیست، مگر اینکه اصلاً طبق قرارداد یا قانون تکلیف خاصی بر عهده او قرار گرفته، و وی از انجام آن سر باز زده باشد. در غیر این صورت، برای صرف ترک فعل مسئولیتی متصور نیست.^(۷) به عبارت دیگر، در تسبیب، تقصیر خواهان باید به اثبات برسد.

با استقراء در مواد ۱۵ قانون بیمه، تبصره ماده ۳۵۵ و ۳۳۱ ق.م.ا، ۱۱۴ ق. دریایی و بند ۳ ماده ۴ قانون مسئولیت مدنی، می‌توان گفت: این تکلیف کلی برای هر متضرری وجود دارد که از بروز و گسترش دامنه خسارات جلوگیری نماید؛ و قرارداد بیمه یا آتش‌سوزی خصوصیت خاصی ندارد که حکم خاصی را اقتضا نماید. بنابراین، باید قایل به عمومیت این حکم و تسری به سایر موارد شد.^(۸)

علاوه بر این، ملاحظات مربوط به مقتضیات اقتصادی ناشی از کمبود منابع اقتصادی و لزوم اقدام شایسته برای حفظ آنها و انتقال به نسل‌های بعدی و نیز ملاحظات اجتماعی مربوط به تقویت حس وظیفه‌شناسی و کمک به دیگران و رفتار توأم با حسن نیت مستلزم شناسایی این تکلیف می‌باشد.

را نخواهد داشت؛ خواه آن خسارت ناشی از فعل مثبت او باشد یا ناشی از فعل منفی و کاهلی وی.

ب) قاعدهٔ تحذیر: علاوه بر قاعدهٔ اقدام، به قاعدهٔ دیگری در حقوق اسلام می‌توان استناد کرد که می‌تواند مبنای معافیت عامل زیان در کاهلی زیان‌دیده باشد. این قاعده، قاعدهٔ تحذیر است. فقها در خلال مباحث مربوط به مسئولیت افراد نسبت به اعمال و افعالشان قاعده‌ای تحت عنوان «قد أَعذَرُ مَنْ حَذَّرَ» مطرح کرده‌اند؛ بدین معنا که اگر کسی پیش از انجام کاری هشدار می‌دهد ولی شنونده به هشدار او توجه نکند و به علت آن کار، خسارتی به وجود آید، هشداردهنده مسئولیتی نخواهد داشت. علامه حلی در **قواعد الاحکام** گفته است: اگر ثابت شود که تیرانداز گفته است «مواظب باش!» و مصدوم نیز شنیده است و با امکان فرار، اقدام به فرار نکرده است ضامن نیست.

شهید ثانی در **مسالك الافهام** در این باره گفته است: «ضمان وقتی بر عهده رامی قرار نمی‌گیرد که هشدار بدهد، به گونه‌ای که مرمی آن را بشنود و قدرت بر فرار از محل حادثه نیز داشته باشد. پس اگر مرمی صدای رامی را نشنید و یا امکان فرار و دور شدن از صحنهٔ خطر را نداشت دیه بر عاقله رامی است.»

پس برای تحقق قاعده و معافیت عامل زیان، دو شرط لازم است:

الف. هشدار مؤثر: هشدار می‌تواند که از طرف رامی داده می‌شود باید به نحوی باشد که به مرمی برسد و او را از خطر آگاه کند و وضعیت آن برحسب مورد فرق می‌کند.

ب. امکان فرار برای زیان‌دیده: باید امکان دور شدن از صحنه خطر برای زیان‌دیده وجود داشته باشد. این امکان وقتی موجود است که زمان کافی برای دور شدن از خطر و قدرت جسمانی لازم وجود داشته باشد و محیط و اوضاع و احوال صحنه خطر، امکان فرار را بدهد.^(۱۰)

این قاعده در برخی مواد مورد نظر مقنن بوده است، چنان‌که مادهٔ ۹ قانون ایمنی راه‌ها و راه‌آهن می‌گوید: «عبور از روی خطوط راه‌آهن و ورود در محوطه ایستگاه‌ها و کارخانه‌ها و تأسیسات فنی راه‌آهن به استثنای سکوی مسافری و امکانه و گذرگاه‌ها و معابر مجاز واقع در ایستگاه‌ها و در طول خطوط ممنوع است جز برای آن عده از مأموران راه‌آهن که برحسب وظیفه، مجاز به ورود و عبور می‌باشند و در صورت تخلف و بروز حادثه، راه‌آهن دولتی ایران مسئول نخواهد بود.» بنابراین، اگر کسی علی‌رغم این اخطار قانونی، در محل‌های حرکت قطار تردد یا توقف نماید، راه‌آهن و شرکت‌های حمل و نقل مسئول خسارات وارده به وی نخواهند بود. به این ترتیب، اگر شخصی در معرض خطر و ضرر قرار گیرد و امکان احتراز از آن را نیز داشته باشد با این حال، اقدامی در جهت جلوگیری از آن به عمل نیآورد، نمی‌تواند جبران آن را از دیگری بخواهد.

از این بحث نتیجه گرفته می‌شود که در فقه نیز هم قاعدهٔ اقدام و هم قاعدهٔ تحذیر برای معافیت عامل ورود زیان از ضررهای قابل اجتناب مورد پذیرش قرار گرفته است.

۲-۲. کاهلی زیان‌دیده و مفاهیم مشابه

در تعیین مسئولیت عامل زیان، عوامل دیگری دخیلند که از حیث اثر مثل کاهلی زیان‌دیده هستند و منجر به کاهش مسئولیت عامل می‌شوند، ولی ماهیتاً با آن متفاوتند. در ذیل، ضمن مقایسهٔ آنها با کاهلی، قلمرو اجرایی هر یک بررسی می‌شود:

الف) تقصیر زیان‌دیده (تقصیر مشترک) و کاهلی: همان‌گونه که پیش‌تر نیز گفته شد، رابطهٔ بین این دو مفهوم، عموم و خصوص مطلق است. کاهلی خود گونه‌ای تقصیر است، ولی از تقصیر در معنای عام خود تعریف‌های متفاوتی

کودکی داده که قدرت مهار آن را در زمان یورش ندارد و شخص دیگری را زخمی می‌کند. پس بی‌احتیاطی زمانی است که شخصی کاری را بدون توجه و در نظر گرفتن نتایج زیانبار آن انجام می‌دهد، در حالی که چنان نتیجه‌ای قابل پیش‌بینی است. پس نوعی تقصیر است که فاعل قصد فعل دارد، ولی قصد نتیجه را ندارد. بنابراین، فرق فرد بی‌احتیاط و کاهل در این است که بی‌احتیاط کاری را که نباید انجام دهد، انجام می‌دهد ولی کاهل کاری را که باید انجام دهد، انجام نمی‌دهد.^(۱۳)

واژه «بی‌مبالاتی» نیز در قوانین و نوشته‌های حقوقی به کار گرفته می‌شود. مبالات در لغت به معنای توجه و التفات است و بی‌مبالاتی، بی‌تدبیری و بی‌فکری است. در قوانین موضوعه بی‌مبالاتی در مقابل بی‌احتیاطی به کار گرفته می‌شود. بی‌مبالاتی نوعی ترک فعل است و تارک فعل نیز زمانی مسئول است که قانون، عرف یا قرارداد وظیفه‌ای را برای او شناخته باشند. مفاهیم غفلت، اهمال و مسامحه نیز در این معنا به کار رفته‌اند و همگی کوتاهی و سهل‌انگاری و اهمال را می‌رسانند و با کاهلی مترادف هستند، ولی در معنای دقیق بی‌مبالاتی، غفلت و مسامحه را در جایی به کار می‌بریم که ترک فعل منجر به حادثه زیانبار می‌شود ولی کاهلی را در جایی به کار می‌بریم که پس از وقوع حادثه زیان‌دیده با امکان تقلیل خسارت در پی آن نرفته است.^(۱۴)

ج) رضایت زیان‌دیده و کاهلی: برخی عوامل و اسباب، فعل زیانبار را توجیه نموده و صفت تقصیر را از آنها دور می‌سازد و مسئولیت را از عهده‌عامل آن برمی‌دارد و به آن صفت قانونی می‌دهد. به عبارت دیگر، در این‌گونه موارد با در نظر گرفتن طبیعت کار انجام‌شده یا به دلیل حکم قانون، فعل به‌وقوع پیوسته را نمی‌توان نامشروع و تقصیر تلقی کرد. حال در مورد رضایت زیان‌دیده این سؤال

ارائه شده است. گروهی آن را ارتکاب فعل نامشروع می‌دانند. برخی نقص تعهد قانونی و عرفی دانسته‌اند و برخی دیگر تجاوز به اعتماد مشروع را تقصیر می‌دانند.

ماده ۹۵۳ قانون مدنی مقرر می‌دارد: تقصیر اعم است از تفریط و تعدی. تعدی و تفریط را نیز چنین تعریف کرده است: تعدی تجاوز نمودن از حدود اذن یا متعارف است نسبت به مال یا حق دیگری (۹۵۱ ق.م) و تفریط عبارت است از ترک عملی که به موجب قرارداد یا متعارف برای حفظ مال غیرلازم است. (۹۵۲ ق.م)

بنابراین، تقصیر عبارت است انجام کار یا عدم انجام کاری که بر طبق مقررات، عرف یا قرارداد شخص می‌باید از آن بپرهیزد یا بدان مبادرت ورزد.

از آن‌رو که براساس عرف، زیان‌دیده باید از ضررهای قابل اجتناب پیش‌گیری نماید، کاهلی در احتراز از آنها تقصیر محسوب می‌شود.^(۱۱)

علی‌رغم اینکه کاهلی خود گونه‌ای خاص از تقصیر است، اما با تقصیر خوانده (تقصیر مشترک) به معنای اعم کلمه متفاوت است؛ زیرا در تقصیر مشترک نقش زیان‌دیده در ایجاد ضرر مثل نقش عامل اصلی ورود ضرر است، ولی در کاهلی، متضرر با اینکه می‌تواند جلوی ضرر را بگیرد ولی نگرفته است.^(۱۲)

ب) بی‌احتیاطی، بی‌مبالاتی و کاهلی: بی‌احتیاطی زمانی صدق پیدا می‌کند که فاعل، برخلاف تکالیفی که برعهده دارد و بپرهیز از آنها در شرایط وقوع حادثه لازم است، عمل نماید. احتیاط در لغت به معنای دوراندیشی و به هوش کاری کردن است. بی‌احتیاطی براساس تبصره ماده ۳۳۶ قانون مجازات اسلامی، نوعی تقصیر است و زمانی محقق می‌شود که شخصی کاری را که خطرناک و زیانبار است بدون رعایت احتیاط لازم و از روی بی‌توجهی انجام دهد؛ مثل کسی که زنجیر سگ درنده‌ای را به دست

مطرح می‌شود که آیا صرف رضای زیان‌دیده می‌تواند عمل زیانبار را توجیه کند؟

برای پاسخ به این سؤال باید دو فرض را از هم جدا ساخت:

فرض اول، ورود زیان به اموال است. با توجه به ماده ۳۰ قانون مدنی که بیانگر قاعده سلطنت بر اموال است، مالک می‌تواند هر تصرفی را اعم از مادی و حقوقی در آنها انجام دهد. از این رو، می‌توان گفت: مالکی که به تلف مال خویش رضایت می‌دهد، به زیان خود اقدام کرده است و عامل زیان معاف از مسئولیت است. البته به استناد رضایت مالک نمی‌توان به عمد یا با تقصیر سنگین بر اموال دیگری خسارت وارد کرد؛ زیرا این امر برخلاف نظم عمومی است.

فرض دوم، ورود زیان به جسم و جان اشخاص است. در این فرض، رضایت زیان‌دیده نمی‌تواند رافع مسئولیت عامل زیان باشد؛ زیرا انسان و حقوق مربوط به شخصیت او جزء احکام امری است و قابل انتقال و اسقاط نیست و تجاوز بدان حتی با رضایت فرد ممکن نیست، ولی مقنن در برخی موارد رضایت زیان‌دیده را عامل معافیت شمرده است؛ مثل رضایت بیمار به انجام عمل جراحی و طبی مشروع که براساس بند ۲ ماده ۵۹ قانون مجازات اسلامی مجاز شناخته شده است و براساس ماده ۳۱۹، طیب نسبت به تلف جان یا نقص عضو یا خسارت مالی که در جریان معالجه به وجود می‌آید ضامن است، مگر اینکه به موجب ماده ۳۲۲ قانون مذکور، از بیمار یا اولیای او براءت حاصل نماید.

البته شخص نمی‌تواند پیش از حادثه زیانبار به صدمه جسمی و جانی خود رضایت بدهد، ولی پس از حادثه قطعاً می‌تواند به آن رضایت داده و با جانی صلح نماید. (۱۵) در مورد فرق بین رضایت زیان‌دیده و کاهلی او باید

گفت: رضایت وقتی است که از قبل قراردادی بین زیان‌دیده و عامل زیان برای انجام فعل ضرری منعقد شده است، ولی در کاهلی چنین نیست و فرد زیان‌دیده به طور یک‌جانبه در برابر عمل زیانبار هیچ اقدامی در جهت جلوگیری از وقوع آن یا گسترش آثار آن به عمل نمی‌آورد در حالی که توانایی اجتناب از آنها را دارد. مانند آنچه در شرح قاعده تحذیر گفته شد؛ مرمی علی‌رغم قدرت و امکان فرار از میدان تیر فرار نمی‌کند و مورد اصابت قرار می‌گیرد یا اینکه حادثه قابل اجتناب نبوده، ولی نتایج آن تا حدی قابل پیش‌گیری بوده است که در این حد عامل زیان معاف از مسئولیت است.

د) پذیرش خطر و کاهلی: مفهوم پذیرش خطر در جایی صدق پیدا می‌کند که فرد خود را در معرض افعال خطرناک قرار می‌دهد؛ مثل شرکت در مسابقات ورزشی که همراه خطر آسیب‌های جسمانی است. اگر پذیرش خطر به حدی برسد که تقصیر محسوب شود، بر اساس احکام تقصیر مشترک می‌تواند از موجبات تخفیف مسئولیت خوانده باشد. برای مثال، شخصی که سوار اتومبیلی می‌شود که رانندگی آن را شخص مستی بر عهده دارد، خود مرتکب تقصیر شده است و براساس ماده ۳۶۵ قانون مجازات اسلامی، نصف خسارت قابل جبران نیست. البته باید توجه نمود که میان پذیرش خطر و احتمال حوادث فرق است. صرف احتمال حوادث برای معافیت خوانده کافی نیست. مثلاً، در سوار شدن به هر اتومبیلی احتمال تصادف وجود دارد، ولی این امر عقلایی است و پذیرش خطر به حساب نمی‌آید و از مسئولیت متصدی حمل و نقل کاسته نمی‌شود. (۱۶)

ذکر این نکته ضروری است که در حقوق ایران پذیرش خطر از سوی زیان‌دیده مسئولیت مبتنی بر تقصیر زیان‌زننده را از بین نمی‌برد. چنان‌که بند ۳ ماده ۵۹ ق

مسئولیت عامل زیان از بین می‌رود. چنان‌که در مثال فوق، صاحب مال از آتش گرفتن اموال خویش مطلع شده ولی فرصت و امکان نجات بقیه اموال دارد، ولی با این از انجام اقدام متعارف جهت نجات خودداری می‌کند.

۴. تأثیر اقدام زیان دیده در جهت تقلیل خسارت

۴-۱. ماهیت تکلیف

گفتیم متضرر مکلف است تا آنجا که ممکن است جلوی گسترش خسارت را بگیرد، اما باید توجه داشت که این تکلیف نوعی تعهد به وسیله است و متضرر ضامن حصول نتیجه نیست. بنابراین، متضرر مکلف است کلیه اقدامات متعارف را برای تقلیل خسارت به عمل آورد، لیکن وصول به نتیجه شرط نیست. از این رو، اگر این اقدامات به نتیجه نرسد و خسارات کاهش پیدا نکنند بر متضرر نمی‌توان خرده گرفت.

از سوی دیگر، با توجه به ملاک ماده ۱۵ قانون بیمه، متضرر می‌تواند با اثبات اینکه عدم اقدام در جهت تقلیل خسارت ناشی از قوه قاهره (فورس ماژور) بوده، از این تکلیف‌رهایی پیدا کرده و جبران کل خسارت را مطالبه نماید.^(۱۷)

۴-۲. هزینه‌های اقدام برای تقلیل خسارت

قسمت اخیر ماده ۱۵ قانون بیمه مقرر می‌دارد: «... مخارجی که بیمه‌گذار برای جلوگیری از توسعه خسارت می‌نماید بر فرض که منتج به نتیجه نشود به عهده بیمه‌گر خواهد بود، ولی هرگاه بین طرفین در موضوع لزوم مخارج مزبوره یا تناسب آن با موضوع بیمه اختلافی ایجاد شود [برای] حل اختلاف به حکم یا محکمه رجوع می‌شود.»

این حکم مربوط به قرارداد بیمه است. با این حال، می‌توان گفت: در هر مورد که متضرر با اقدام به تقلیل خسارت دچار مخارجی گشته، مستحق مطالبه آن از عامل

مجازات اسلامی، حوادث ناشی از عملیات ورزشی را فقط هنگامی که سبب آن حوادث نقض مقررات مربوط به آن ورزش نباشد و این مقررات با موازین مشرع مخالفت نداشته باشد جرم نمی‌شمارد.

در تفاوت پذیرش خطر و کاهلی می‌توان گفت: اگر کاهلی در معنای دفع حادثه زیانبار باشد، کاهلی با پذیرش خطر مترادف می‌شود، ولی اگر کاهلی را در معنای دفع ضرر قابل اجتناب بعد از وقوع حادثه بگیریم، با پذیرش خطر متفاوت می‌شود.

۳. تأثیر کاهلی زیان دیده در مسئولیت خوانده

در صورتی که کاهلی زیان دیده با شرایط مذکور در فوق به اثبات برسد، موجب نفی یا کاهش مسئولیت عامل ضرر به شرح ذیل خواهد شد:

الف) معافیت مطلق: در صورتی که متضرر بعد از وقوع حادثه و قبل از تولید هرگونه اثر زیانبار از آن مطلع شود، لیکن اقدامی در جهت ممانعت از تولید اثر علی‌رغم امکان به عمل نیاورد، کلیه خسارات حاصله به حساب خود او خواهد بود؛ چنان‌که همسایه از وجود آتش در حال سرایت پیش از اثربخشی به اموال خویش مطلع می‌شود، ولی با این حال، برای نجات آن اموال اقدامی نمی‌کند. در این فرض، نقش زیان دیده به صورت علت منحصر زیان عمل کرده است و در نظر عرف، علت اصلی زیان خود وی است و از این رو، طبق قاعده اقدام، حق مراجعه به دیگری را ندارد، بخصوص اگر فعل عامل (خوانده) به صورت غیر عمد و تقصیر سبک قابل اغماض باشد.

ب) معافیت نسبی: در صورتی کاهلی منجر به معافیت نسبی عامل می‌شود که قسمتی از ضرر قابل اجتناب و قسمتی نیز غیر قابل اجتناب باشد که نسبت به قسم اول،

ضرر خواهد بود، مشروط به آنکه مخارج لازم و متعارف باشد.^(۱۸) نیز می‌توان گفت: مبنای این حکم قاعده تسبیب است؛ زیرا اگر فعل ضرری از جانب عامل صادر نمی‌شد متضرر مجبور به اقدام برای تقلیل خسارات و تحمل هزینه آن نمی‌شد.

۵. کاهلی در تقلیل خسارات ناشی از نقض تعهدات قراردادی

۵.۱. اسناد بین‌المللی

آنچه تاکنون بحث شد، در زمینه تعهدات خارج از قرارداد یا به اصطلاح ضمان قهری بود. حال می‌گوییم: با توجه به وحدت ملاک، آنچه در کاهلی زیان‌دیده گفته شد در این زمینه نیز قابل اجراست.^(۱۹) چنان‌که ماده ۸۷،۴ اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی تهیه شده به وسیله مؤسسه بین‌المللی یکنواخت کردن حقوق خصوصی ۳ مقرر می‌دارد: «(۱) طرف مسئول عدم اجرای تعهد، مسئول آن قسمت از صدمه وارده بر طرف زیان‌دیده که با اقدامات معقول و متعارف طرف زیان‌دیده ممکن بود تقلیل داده شود، نیست. (۲) طرف زیان‌دیده مستحق است هر هزینه‌ای را که به طور متعارف در تلاش برای تقلیل صدمه متحمل شده است دریافت کند.»

علت این حکم آن است که طرف زیان‌دیده منفعل و بی‌حرکت نماند و نیز مانع از این بشود که وی برای صدماتی که می‌توانسته جلوی آن را بگیرد انتظار جبران خسارت داشته باشد. اقداماتی که طرف زیان‌دیده باید انجام دهد ممکن است در جهت محدود کردن میزان صدمه و زیان باشد، به ویژه موقعی که در صورت اقدام نکردن زیان‌دیده، این خطر احتمالی وجود داشته باشد که صدمه و زیان برای مدتی طولانی باقی بماند یا ممکن است در جهت ممانعت از هرگونه افزایش در صدمه و

زیان ابتدایی باشد. مثلاً، «الف» شرکتی است که از سوی «ب» کار ساخت یک کارخانه به وی محول شده است. هنگامی که طرح نزدیک به تکمیل شدن است، «الف» به طور ناگهانی کار را متوقف می‌کند. «ب» در جست‌وجوی شرکت دیگری برای پایان دادن به کار ساخت کارخانه است، ولی در حفاظت از کارخانه ساخته‌شده در محل اجرا که وضعیتش در نتیجه آب و هوای بد، رو به خرابی است هیچ اقدامی نمی‌کند. در این حالت، «ب» نمی‌تواند برای خراب شدن کارخانه که به دلیل کوتاهی او در آغاز تدابیر موقت حفاظتی رخ داده است، غرامتی دریافت کند. از سوی دیگر، زیان‌دیده می‌تواند مخارجی را که برای تقلیل صدمه و زیان متحمل شده است، از طرف مسئول عدم اجرای تعهد دریافت کند، مشروط به اینکه مخارج مزبور با توجه به اوضاع و احوال معقول و متعارف باشد.^(۲۰) اصل ۷۷ کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا ۱۹۸۰ مصوب آنستیرال مقرر می‌دارد: «طرفی که به نقض قرارداد استناد می‌کند مکلف است با توجه به اوضاع و احوال، اقدامات متعارفی برای مقابله با خسارت، از جمله عدم‌النفع ناشی از نقض قرارداد معمول دارد. در صورتی که وی موفق به چنین اقداماتی نشود، طرفی که قرارداد را نقض کرده می‌تواند به میزانی که خسارت قابل پیش‌گیری بوده، مدعی کاهش خسارت گردد.»

اقدامات متناسب، اقداماتی هستند که هدف از آنها تقلیل خسارت است تا حدی که عقلاً و عرفاً ممکن باشد. نمونه چنین اقداماتی عموماً فروش مجدد مبیع توسط فروشنده است یا خریدار کالاهای بدلی تهیه می‌کند وقتی فروشنده در تحویل کالاها تأخیر کرده است یا اینکه خریدار خود به رفع عیوب کالاهای تحویلی بپردازد.

البته درست است که طرف زیان‌دیده مکلف است اقدامات ضروری برای کاهش خسارت انجام دهد، ولی

هزینه‌های اجرای آن به شرط متعارف بودن بر عهده عامل زیان است. این حکم از قاعده اقدام و تحذیر در فقه نیز قابل استنباط است.

پی‌نوشت‌ها

- ۱- ناصر کاتوزیان، *الزام‌های خارج از قرارداد، ضمان قهری*، ج دوم، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۸.
- ۲- محمود کاظمی، «قاعده جلوگیری از خسارت»، *حقوق*، (دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران)، ش ۶۸، ۱۳۸۴، ص ۱۹۹-۲۳۲.
- ۳- آیت کریمی، *کلیات بیمه*، ص ۱۱۷.
- ۴- سیدمحسن سادات اخوی و محمود کاشانی، «تکلیف زیان دیده به کاستن از خسارت»، *مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز*، ش ۶۸، ص ۵۶.
5. E. Gluckstien Charles, "The duty to mitigate: Does the claimant have a duty to get better?", p. 2.
- ۶- حسینقلی حسینی نژاد، *قاعده مقابله با خسارت*، ص ۶۸؛ H.G Treitel, *The Law of Contract*, p.881.
- ۷- مسعودرضا رنجبر، *خسارت ناشی از نقض قرارداد*، ص ۹۶.
- ۸- حسین صفایی و دیگران، *حقوق بیع بین‌المللی*، ص ۳۹۲.
- ۹- علیرضا اسماعیل آبادی و محمدحسن رضوی، «مطالعه تطبیقی قاعده رضایت زیان دیده و اقدام در نظام حقوقی کامن‌لا و اسلام»، *فقه و حقوق*، ش ۱۵، ص ۸۰.
- ۱۰- سیدمصطفی محقق داماد، *قواعد فقه*، بخش مدنی ۲، ص ۲۳۵.
- ۱۱- حسنعلی درودیان، *جزوه حقوق مدنی* ۴، ص ۱۱۹.
- ۱۲- مسعودرضا رنجبر، همان، ص ۹۵.
- ۱۳- سیدمرتضی قاسم‌زاده، *مبانی مسئولیت مدنی*، ص ۳۵.
- ۱۴- همان، ص ۳۶.
- ۱۵- حسنعلی درودیان، همان، ص ۱۳۵.
- ۱۶- همان، ص ۱۳۶.
- ۱۷- جانعلی محمودصالحی، *حقوق بیمه*، ص ۱۵۸.
- ۱۸- محمود کاظمی، همان، ص ۲۱۹.
19. H.V.W Rogers, *Winfield and Jolowicz on tort*, p. 646.
- ۲۰- مؤسسه یکنواخت‌سازی حقوق خصوصی، *اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی*، ترجمه و تحقیق بهروز اخلاقی و فرهاد امام، ص ۲۰۹.
- ۲۱- مهرباب داراب‌پور، *تفسیر بر حقوق بیع بین‌المللی کالا*، ج ۳،

وی به هیچ وجه نتیجه اقدامات را تضمین نکرده است؛ از این رو، اگر اقدامات وی به نتیجه نرسد، باز مستحق جبران خسارت است و حتی هزینه اقدامات نافرجام را نیز می‌تواند مطالبه کند. (۲۱)

همچنین ماده ۹۵۰۴-۹ اصول حقوق قراردادهای اروپا در این خصوص مقرر می‌دارد: «۱. مرتکب عدم اجرا نسبت به زیان‌هایی که طرف متضرر متحمل شده، تا حدی که زیان دیده می‌توانسته زیان را با انجام اقدامات متعارف کاهش دهد، مسئول نیست. ۲. زیان دیده استحقاق وصول هر هزینه‌ای را که به صورت متعارف در تلاش برای کاهش زیان متحمل شده، دارد.» (۲۲)

۵-۲. حقوق ایران

در حقوق ایران، نص صریحی مثل اصل ۷۷ کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا مصوب ۱۹۸۰ آنستیرال موجود نیست، ولی از وحدت ملاک مقررات راجع به ضمان قهری و ماده ۱۵ قانون بیمه می‌توان استفاده کرد و گفت که زیان دیده باید اقدام لازم را در پرهیز از ورود خسارت و تخفیف آن انجام دهد و خود به تشدید حادثه و بالا رفتن میزان خسارت کمک نکند، وگرنه آنچه را که در نتیجه اقدام خویش متحمل شده است، باید برعهده بگیرد و مطالبه آن از طرف قرارداد ممکن نیست. (۲۳)

نتیجه‌گیری

با توجه به آنچه بیان گردید، می‌توان گفت:

۱. در صورت وقوع حادثه منجر به خسارت، زیان دیده مکلف است تا حد امکان جلوی گسترش خسارت را بگیرد، وگرنه به میزان خساراتی که با اقدام متعارف قابل اجتناب بوده، عامل زیان مسئولیتی نخواهد داشت.
۲. تکلیف زیان دیده نوعی تعهد به وسیله است و

- Charles E. Gluckstien, "The duty to mitigate: Does the claimant have a duty to get better?" Available at http://www.gluckstien.com/uploads/pdfs/the_duty_to_mittigate.pdf waived at 22 dec 2010.

- H.G Treitel, *The Law of Contract*, London, Maxwell & sweet, 1995.

- Rogers, H.V.W, *Winfield and Jolowicz on tort*, London, Maxwell & sweet, 1994.

ص ۱۰۶.

۲۲- ابراهیم شعاریان، اصول حقوق قراردادهای اروپا، ص ۳۴۹.

۲۳- ناصر کاتوزیان، قواعد عمومی قراردادها، ص ۳۰۶.

منابع

- اسماعیل آبادی علیرضا و محمدحسن رضوی، «مطالعه تطبیقی

قاعده رضایت زیان دیده و اقدام در نظام حقوقی کامنلا و اسلام»،

فقه و حقوق، ش ۱۵، زمستان ۱۳۸۶، ص ۸۲-۶۱.

- حسینی نژاد، حسینقلی، قاعده مقابله با خسارت، تهران، گنج

دانش، ۱۳۷۷.

- درودیان، حسنعلی، جزوه حقوق مدنی ۴، تهران، دانشکده

حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۷۶-۱۳۷۷.

- رنجبر، مسعودرضا، تعیین خسارت ناشی از نقض قرارداد،

تهران، میزان، ۱۳۸۷.

- سادات اخوی، سیدمحسن و محمود کاشانی، «تکلیف زیان دیده

به کاستن از خسارت»، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه

شیراز، ش ۳۳، پاییز ۱۳۸۰، ص ۸۶-۵۶.

- شعاریان ابراهیم، اصول حقوق قراردادهای اروپا، تبریز،

فروزش، ۱۳۸۹.

- صفایی، حسین و دیگران، حقوق بیع بین المللی، چ دوم، تهران،

دانشگاه تهران، ۱۳۸۷.

- قاسم زاده، سیدمرتضی، مبانی مسئولیت مدنی، تهران، دادگستر،

۱۳۷۸.

- کاتوزیان، ناصر، الزامهای خارج از قرارداد، ضمان قهری، چ دوم،

تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۸.

- کاتوزیان، ناصر، قواعد عمومی قراردادها، چ سوم، تهران، شرکت

سهامی انتشار، ۱۳۸۰.

- کاظمی، محمود، «قاعده جلوگیری از خسارت»، حقوق، ش ۶۸،

۱۳۸۴، ص ۲۳۲-۱۹۹.

- محقق داماد، سیدمصطفی، قواعد فقه، بخش مدنی ۲، چ چهارم،

تهران، سمت، ۱۳۸۰.

- محمودصالحی، جانعلی، حقوق بیمه، چ دوم، تهران، پژوهشکده

بیمه مرکزی ایران، ۱۳۸۴.

- مؤسسه یکنواخت سازی حقوق خصوصی، اصول قراردادهای

تجاری بین المللی، ترجمه و تحقیق بهروز اخلاقی و فرهاد امام،

تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش های حقوقی شهر دانش، ۱۳۷۹.